

جلسه ۲۶-۷۳۹

شنبه - ۱۴۰۱/۰۷/۳۰

- ۳..... جواب هفتم از صحیحہ علی بن جعفر (محقق حائری در کتاب الصلاة)
- ۳..... اشکال
- ۴..... جواب هشتم (محقق داماد)
- ۴..... اشکال
- ۴..... جواب نهم (محقق داماد)
- ۵..... اشکال
- ۵..... دلیل دوم بر وجوب جهر: سیره نبوی
- ۵..... اشکال اول
- ۵..... اشکال دوم
- ۶..... اشکال
- ۷..... دلیل دوم بر وجوب جهر
- ۷..... اشکال اول (دلالتی)
- ۷..... اشکال دوم (سندی)
- ۸..... اشکال سوم (سندی)
- ۸..... پاسخ
- ۹..... دلیل چهارم بر وجوب جهر
- ۹..... اشکال
- ۹..... پاسخ از اشکال در استدلال به صحیحہ زراره بر وجوب جهر

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله في الأرضين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

بحث راجع به وجوب جهر در قرائت در نماز صبح و مغرب و عشاء برای مردان بود. از برخی نقل کردیم که بر خلاف نظر مشهور، قائل به استحباب جهر شده‌اند. آقای سیستانی هم تمایل دارند به این قول، منتها بخاطر رعایت مشهور احتیاط واجب کردند. منشأ قول به عدم وجوب عمدتاً صحیحہ علی بن جعفر بود که هل علیه ان لایجهر قال ان شاء جهر و ان شاء لم یفعل. جمع عرفی کردند بین این صحیحہ و بین دو صحیحہ زراره و دو صحیحہ زراره را حمل بر استحباب اعاده کردند. ما عرض کردیم علیه الاعادة قابل حمل بر استحباب اعاده در مقام جمع عرفی نیست.

مرحوم آقای خوئی قاعده‌مندش کرد فرمود علیه الاعادة خطاب ارشادی است، خطاب تکلیفی نیست که بگوییم قابل حمل بر استحباب اعاده است، علیه الاعادة ارشاد و اخبار است از بطلان نماز. این دیگر قابل حمل بر استحباب اعاده نیست.

ما این قاعده مرحوم آقای خوئی را قبول نداریم. به قول مرحوم استاد مرحوم آقای تبریزی خطابات ارشادیه مختلف هستند؛ بعضی از خطابات ارشادیه در موردی است که در ذهن عرف معهود هست که مراتب دارد. مثل تغسله سبع مرات، تغسله ثلاث مرات، در موردی انائی که شرب فيه الخمر، تغسله ارشاد به مطهریت غسل است. در ذهن عرف طهارت و قذارت مراتب دارد، طهارت شدیده که اصل طهارت است، قذارت شدیده، قذارت خفیفه. یک سری چیزها هست عرف برایش قذارت خفیفه قائل است، و لذا یک مقدار که شستن دستش سخت بود می‌گوید ولش کن با همین دست‌مان غذا می‌خوریم، اما بعضی از قذارت‌ها هست جان به جانش بکنند حاضر نیست یک لقمه غذا با آن دست بخورد. و لذا خود مرحوم آقای خوئی در موسوعه جلد ۴ صفحه ۴۸ بین این دو روایت جمع عرفی کرده؛ فرموده: تغسله سبع مرات را حمل بر استحباب غسل سبع مرات می‌کنیم، و الجمع بینهما بذلک هو الذی یقتضیه الفهم العرفی فی امثال المقام.

پس مشکل این است که علیه الاعادة در موردی خطاب ارشادی وارد شده که انس ندارد ذهن عرف با استحباب اعاده و با مرتبه ضعیفه مطلوب بودن اعاده. و لذا کالنص است علیه الاعادة در ارشاد به بطلان.

[سؤال: ... جواب:] استحباب اعاده در شریعت داریم اما از نه از باب جمع عرفی بگوییم حمل می‌کنیم علیه الاعادة را بر استحباب اعاده. روایت حسن بن سعید در مورد رجل احرم بغیر اغتسال او احرم بغیر صلاة عالما کان او جاهلا فکتب علیه السلام یعید ای یعید الاحرام. بخاطر این که غسل احرام و نماز احرام از خارج فهمیدیم واجب نیست، قرینه قطعی پیدا کردیم یعید را حمل بر استحباب اعاده کنیم نه از باب جمع عرفی. بحث در جمع عرفی است. ... حالا یک مورد آمده یعید بیان شده استحباب اعاده، این غیر از انس ذهن عرف است، در خطابات عرفیه باید حساب کنیم، در خطابات عرفیه امر به غسل می‌تواند ارشاد باشد به تطهیر از مرتبه ضعیفه قذارت. و لذا یک مقدار که دست‌هایش را زده به این طرف و آن طرف مادر به بچه‌اش می‌گوید بچه‌جان! دستت را بشوی بیا نهار بخور. حالا بگوید: مادر! آب قطع است، حالا صبر کنم تا یک ساعت دیگر آب بیاید؟ می‌گوید عیب ندارد بیا نهارت را بخور. اما اگر بچه رفته دست زده به (عذر می‌خواهم) قاذورات، آن وقت دیگر مادر نمی‌گوید حالا عیب ندارد، آن‌جا می‌گوید نه حتما باید صبر کنی یا من لقمه را بگذارم در دهانت. ... من آنی که پیدا کردم این مورد هست که یعید الاحرام. جاهای دیگر الان در ذهنم نیست.

[سؤال: ... جواب:] ظاهر علیه الاعادة ارشاد به بطلان است. ... علیه الاعادة عرف ارشاد به بطلان می‌داند یعنی "باید اعاده کند" نکته عرفی‌اش این است که باطل شد باید اعاده کند.

وجه دیگری که برای قول به استحباب جهر در نمازهای جهریه هست این است که بگوییم بعد از تعارض و تساقط، بخاطر فقد مرجحات رجوع می‌کنیم به اصل برائت از وجوب جهر در صلوات جهریه. ما طبعاً هیچ‌کدام از این دو وجه را قبول کردیم، نه جمع عرفی را قبول کردیم نه تساقط این روایات را.

جواب هفتم از صحیحہ علی بن جعفر (محقق حائری در کتاب الصلاة)

ضمناً نکته‌ای عرض کنم، ما در جلسه از مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مطلبی نقل کردیم در توجیه صحیحہ علی بن جعفر بر اساس تقریرات مرحوم حاج شیخ محمود آشتیانی، در کتاب الصلاة خود آقای حائری که در نجف نوشته، تقریرات مرحوم آقای آشتیانی تدریس آقای حائری در قم بوده، در نجف آقای حائری در کتاب الصلاة این جور نوشته فرموده محتمل است بعض نمازهای اخفاتیہ را عامہ جهری می‌خواندند مثلاً نماز آیات، اگر مثلاً اخفاتیہ بوده آن‌ها جهری می‌خواندند، حالا نماز آیات که مخیر است مکلف، محتمل است بعض نمازهای اخفاتیہ بوده، عامہ جهری می‌خواندند. سألته عن الرجل یصلی من الفریضة ما یجهر فیہ بالقراءة یعنی فریضه اخفاتیہ که عامه عادت‌شان بر جهر در آن هست، هل علیه ان لایجهر؟ آیا این هم موظف است مراعات تقیه بکند و مثل عامه این نماز را جهریه بخواند یا وظیفه‌اش این است که طبق حکم اولی عمل کند، هل علیه ان لایجهر طبق حکم اولی چون نماز اخفاتی است، عامه دچار انحراف شدند این نماز اخفاتی را جهری می‌خوانند، آیا وظیفه‌اش این است که طبق حکم اولی عمل کند علیه ان لایجهر وفقاً للحکم الاولی، یا نه، می‌تواند همراه با عامه بشود قرائت جهریه بخواند. در جواب حضرت فرمود: ان شاء جهر، دوست دارد از باب تقیه موافقت با عامه بکند، و ان شاء لم یفعل، دوست ندارد مراعات حکم اولی بکند و نماز را اخفاتیہ بخواند.

اشکال

این فرمایش به عنوان یک احتمال ثبوتی خوب است ولی بگردید پیدا کنید یک نمازی که شرعاً به نظر ما واجب است اخفات در آن، ولی عامه عادت‌شان این است که جهراً بخوانند [پیدا نمی‌کنید اما] عکسش هست، بسم الله الرحمن الرحیم را ما در نماز صبح و مغرب و عشاء می‌گوییم باید جهراً گفت آن‌ها اخفاتی می‌گویند اما این که یک نمازی که قرائت اخفاتیہ در آن واجب است عامه عادت بکنند قرائت جهریه بخوانند ما هم چون مصداقی پیدا نکردیم. و لذا این فرمایش ایشان عملاً مصداق ندارد که یک نمازی باشد از نظر شرع مقدس اسلام نماز با قرائت اخفاتیہ باشد ولی عامه آن را جهریه بخوانند. کدام نماز؟ ما نداریم هم چون نمازی. اگر داشتیم یک وجهی داشت بگوییم علی بن جعفر سؤال می‌کند هل علیه ان لایجهر طبق حکم اولی، یعنی هل علیه الاخفات طبق حکم اولی، یا می‌تواند تقیه کند طبق حکم ثانوی، امام هم بفرماید مخیر است، ولی ما هم چون موردی نداریم.

[سؤال: ... جواب:] به عنوان یک احتمال. ایشان هم گفت من المحتمل. ... عامه رکعت سوم و چهارم که اخفاتی هست آن‌ها جهری می‌خوانند؟ قطعاً این جور نیست. علاوه بر این که خلاف ظاهر است این توجیهات.

جواب هشتم (محقق داماد)

مرحوم آقای داماد دو احتمال دیگر مطرح کرده. فرموده شاید مراد از فريضة نماز جمعه است. سألته عن الرجل يصلي من الفريضة ما يجهر فيه بالقراءة هل عليه ان لايجهر؟

اشکال

آخه ما نمی‌فهمیم، نماز جمعه که یا مستحب است جهر یا واجب است جهر در قرائت. آن وقت چه جوری آقای داماد می‌فرمایند ما این روایت را توجیه می‌کنیم حمل بر نماز جمعه می‌کنیم بعد سائل می‌آید می‌گوید هل عليه ان لايجهر آیا وظیفه دارد نماز جمعه را اخفاتا بخواند؟ آخه مگر احتمال وجوب اخفات هست؟ اگر می‌گویید هل عليه را ما توجیه می‌کنیم می‌گوییم هل له ان لايجهر که دیگر احتیاج به این حرف‌ها نیست.

[سؤال: ... جواب:] ان المراد من الفريضة صلاة الجمعة، بعد می‌شود الرجل يصلي من الفريضة ما يجهر فيه بالقراءة. ... بناءً على استحباب الجهر فيها لا وجوبه. این جور ایشان بیان می‌کند. بناءً بر این که جهر در نماز جمعه مستحب است نه واجب، امام فرمود ان شاء جهر و ان شاء لم يفعل. در نماز جمعه می‌آید علی بن جعفر سؤال می‌کند هل عليه ان لايجهر، آیا وظیفه دارد که اخفاتا نماز جمعه بخواند؟ آخه نماز جمعه که یقیناً واجب نیست اخفات در آن، یا مستحب است جهر یا واجب. تعبیر ایشان این است، من چه کار کنم. ... نماز جمعه مراد باشد، بعد امام می‌فرماید مخیری در نماز جمعه، چه جهر یا بخوانی چه اخفاتا منتها جهر افضل است، آن وقت در این مورد می‌آید علی بن جعفر سؤال می‌کند هل عليه ان لايجهر؟ خب این اشکال این جا هم هست دیگر، سؤال می‌کند آیا وظیفه من اخفات در نماز جمعه است، همچون سؤالی کسی نمی‌کند.

جواب نهم (محقق داماد)

مورد دومی که ایشان احتمال دومی هم که مطرح می‌کند می‌گوید مراد از این فريضة یک نمازی بوده معهود بین امام و بین علی بن جعفر. مثل نماز آیات. عامه نماز آیات را جهر می‌خوانند، درست است، بعد از امام می‌پرسد حالا این عامه‌ای که نماز آیات را جهر می‌خوانند، ما چه کار کنیم؟ امام می‌فرماید شما دوست داری جهر یا بخوانی دوست داری اخفاتا بخوان.

اشکال

باز هم می‌گوییم جناب آقای داماد اگر سؤال از نماز آیات است که این‌ها جهرا می‌خوانند، چرا علی بن جعفر تعبیر بکند آیا وظیفه من اخفات است، نماز آیاتی که این‌ها جهرا می‌خوانند من وظیفه دارم اخفاتا بخوانم. شبهه وجوب اخفات داشته در نماز آیات؟ بر فرض بگویید شبهه وجوب اخفات در نماز آیات داشته، حرفی از نماز آیات نمی‌زند، بعد بگوییم مقصودش نماز آیات است، آخه این جمع‌ها، این توجیه‌ها، به نظرم محترمانه‌تر این است که بگوییم ما این روایت را عمل نمی‌کنیم دیگر. این چه توجیهی است.

ادله قائلین به وجوب جهر در نماز صبح و مغرب و عشاء عمدتا صحیحترین زراعه بود. ولی ادله دیگری ذکر کردند در پایان این بحث اشاره می‌کنیم:

دلیل دوم بر وجوب جهر: سیره نبوی

یکی این که در ذکری شهید گفته ما به سیره پیامبر تمسک می‌کنیم؛ سیره پیامبر جهر بود در نماز صبح و مغرب و عشاء، قرائت این سه نماز را جهرا می‌خواندند.

اشکال اول

اشکال کردند اولاً: آقای سیستانی فرمودند: کی می‌گوید پیامبر و ائمه دائماً نماز صبح و مغرب و عشاءشان را جهرا می‌خواندند؟ شما این که مواظبت داشتند پیامبر و ائمه علیهم السلام بر جهر در نماز صبح و مغرب و عشاء، این از کجا می‌خواهید اثبات کنید؟ تاریخ هم چون چیزی نوشته است؟ بله، سنت پیامبر جهر بود در نماز صبح و مغرب و عشاء، مثل این که سنت پیغمبر بر تفریق بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء بود اما خود پیغمبر هم جمع بین الظهر و العصر من غیر مطر و لا سفر، گاهی هم جمع می‌کرد بین دو نماز، شاید این مسأله همین‌جور باشد.

[سؤال: ... جواب:] نقل نشدن، عدم الدلیل، دلیل العدم نیست. ... قطعاً مواظبت بر مستحبات بوده اما دائماً پیامبر نماز صبح‌شان را جهرا می‌خواندند؟ نماز مغرب و عشاءشان را جهرا می‌خواندند؟ این یک تشکیکی است، حالا شما می‌فرمایید اطمینان داریم که پیامبر اگر گاهی نماز صبح‌شان را قرائت‌شان را اخفاتا می‌خواندند در تاریخ ثبت می‌شد، حالا دیگر هر کس اطمینان پیدا کند مشکلی نیست.

اشکال دوم

آقای خوئی فرمودند: سنت پیامبر و ائمه که دلیل بر وجوب نیست، دلیل بر رجحان است. مرحوم محقق همدانی قبلاً پیش‌بینی این اشکال را کرده بود، گفته: فرق می‌کند، در نماز دلیل داریم پیامبر فرموده صلوا کما رأیتُمونی اصلی، این‌جا را نمی‌شود گفت سنت پیامبر دلیل بر وجوب نیست، خود پیامبر فرمود صلوا کما رأیتُمونی اصلی.

۶ مسائل

آقای خوئی هم فکر جوابش را کرده. گفته: یک حدیث سنی را می‌آیید دلیل قرار می‌دهید؟ صحیحه بخاری این را نقل کرده، مسند احمد حنبل این را نقل کرده، چه اعتباری دارد؟

اشکال

بنده عرضم این است، و لو آقای محقق همدانی این‌جا غفلت کرده از بیان این نکته که خود ایشان یک مبنایی داشته، ما این مبنا را پذیرفتیم، اگر ثابت بشود مداومت پیامبر بر جهر در نماز صبح مثلا، بعد به مردم بفرماید نماز صبح بخوانید، ظهورش این است که یعنی همان جوری که من می‌خوانم بخوانید. ظهورش این است. اگر یک شخصی یک مرکبی را حالا در داروسازی، در تغذیه، اختراع بکند، مثلا پیتزا اختراع کند، کنارش همیشه سس هم می‌زند، بعد به نمایندگی‌هایش بگوید پیتزا پزید به مردم بفروشید، این ظاهرش این است که با همان نحوی که من می‌سازم که کنار پیتزا سس هم باشد، ظاهرش این است. بگوییم شاید این سس جزء مستحبات پیتزا است، این خلاف ظاهر است.

[سؤال: ... جواب:] نماز بدون وضوء هم نماز است، اما بحث در این است که وقتی خود او مواظبت و مداومت دارد پیتزا همراه با سس، بعد به نمایندگی‌هایش در ایران می‌گوید شما پیتزا پزید به مردم تحویل بدهید، این ظاهرش این است که یعنی به همان نحوی که من مواظبت و مداومت بر آن دارم. مگر خلافش ثابت بشود، بیاید بگوید البته سس زدن جزء مستحبات پیتزا است. مستحب مؤکد هم هست به قول شما.

[سؤال: ... جواب:] مداومت عرفیه بعید نیست کافی باشد ولی اگر به حدی گاهی ترک بکند مثلا جهر را در نماز صبح که عرف ببیند، دیگر این ظهور منعقد نمی‌شود. مداومت عرفیه باید باشد تا این ظهور منعقد بشود.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که آن‌جا دلیل داریم که مستحب است، اما اگر دلیل نداشتیم، مداومت دارد پیامبر که در نماز شب وضوء می‌گیرد، رو به قبله می‌ایستد، بعد بفرماید یا علی علیک بصلاة اللیل، یا خطاب به مؤمنین می‌گوید نماز شب را فراموش نکنید ظاهرش این است که یعنی همان‌طوری که من می‌خوانم، مگر این‌که دلیل بیاید بگوید سوره خواندن مستحب است، لازم نیست، ظاهرش این است انصافا. آقای محقق همدانی هم در بحث قرائت سوره کامله در نمازهای واجب این را فرموده این‌جا یادش رفته این را بگوید.

[سؤال: ... جواب:] مداومت بر مستحبات معلوم نیست. ... حالا یک قنوت پیدا کردید که فرمودند مستحب است، رفع الیدین را هم فرمودند مستحب است. ... قرائنی که بر استحباب است کار نداریم، آن‌جا که قرینه نیست چی؟ اتفاقا عدم القرینه بر استحباب شاید مؤکد کند؛ اگر جاهای دیگر گفتند مستحب است چرا این‌جا نگفتم؟ ... در مرکبات اختراعی شارع این مطلب هست.

دلیل دوم بر وجوب جهر

روایت دوم روایت علل الشرائع است جلد ۱ صفحه ۲۶۳: فان قال، اگر کسی بگوید، فان قال قائل، فلم جعل الجهر فی بعض الصلوات و لایجهر فی بعض؟ قيل: لان الصلوات التي یجهر فیها انما هی صلوات تصلى فی اوقات المظلّمة فوجب ان یجهر فیها لئن یمر المار فیعلم ان ههنا جماعة. در تاریکی گفتند قرائت جهریه که اگر نماز جماعتی برگزار شد با صدای امام جماعت آنی که کنار رد می‌شود بفهمد این‌جا نماز جماعت برگزار شده بیاید شرکت کند، اما در روز نماز ظهر و عصر همه چشم دارند می‌بینند که نماز برگزار شده نیازی به داد زدن نیست.

اشکال اول (دلالی)

این هم دلالت نمی‌کند بر وجوب. چرا؟ برای این‌که در مقام بیان حکمت حکم است. می‌گوید چرا جعل شد جهر در بعض صلوات؟ حکمتش این است. فوجب ان یجهر فیها ظهور ندارد در وجوب به معنای مقابل استحباب؛ یعنی فجعل، چون فوجب به معنای ثبت است، وجب یعنی ثبت، فاذا وجبت جنوبها فكلوا منها یعنی فاذا ثبتت جنوبها علی الارض، یعنی شتر را نحر می‌کنند زنده است هنوز دارد جان می‌دهد آخرش می‌افتد روی زمین. غسل الجمعة واجب یعنی ثابت. پس این روایت دلالت نمی‌کند بر وجوب در مقابل استحباب.

اشکال دوم (سندی)

از نظر سند دو تا اشکال سندی دارد، من اشاره می‌کنم چون قبلا بحث مفصلش را مطرح کردیم، ما یک رساله‌ای هم نوشتیم راجع به این کتاب علل فضل بن شاذان، دوستان می‌توانند مراجعه کنند. یک اشکال آقای سیستانی است: می‌گویند اصلا فضل بن شاذان امام رضا را درک نکرده و این کتاب، کتاب تألیف است نه کتاب حدیث. اصلا نمی‌شود به عنوان کلام امام رضا به آن استناد کرد به دو دلیل: یک: مضمون کتاب. مضمون هایش قابل قبول نیست که امام علیه السلام آن را فرموده است. فان قال قائل فاخبرنی لم کلف الخلق قیل لعل معروفة عند اهلها فان قال قائل اتعرفونها انتم قیل لهم منها ما نعرفه و منها ما لانعرفه. علل تکلیف معلوم است نزد اهلش، اگر از ما بپرسند می‌گویند بعضی‌اش را می‌دانیم بعضی‌اش را نمی‌دانیم، اگر امام رضا علیه السلام اهلها نیست پس چه کسی اهلها هست؟ چطور امام رضا بفهمد بعضی‌اش را ما می‌دانیم بعضی‌اش را ما نمی‌دانیم ولی تمام آن‌ها نزد اهلش معروف است.

[سؤال: ... جواب:] حالا دیگر ایشان به این‌ها استدلال می‌کند.

یا یک مطالب موهوم: لیس من میت یموت الا و خرجت منه الجنابة فلذلك وجب الغسل، چون هر کسی می‌میرد از او منی خارج می‌شود و لذا غسل باید بدهیم او را. امام این‌جور می‌فرماید. بچه شش سال، [نه، حتی] بچه‌ای که تمت خلقت غسل باید داده بشود، شش ساله نماز بر او واجب است،

بچه‌ای که تمت خلخته منی از او خارج می‌شود، پیرمرد ۹۰ ساله که ۴۰ سال آخر عمرش جزء عجائز من الرجال بوده این منی از او خارج می‌شود. حکمت باید تناسب داشته باشد با حکم. یا مثلاً دارد: چرا کسی که پرنده را مس می‌کند بعد از مردن آن غسل مس میت بر او واجب نیست، جواب می‌دهد چون به پرهایش دست می‌زند، حالا اگر یک کسی آمد به یک مرغ پرکنده دست زد غسل مس میت بر او واجب است چون به پرهایش دست نزده؟ اما شاهد دوم، فضل بن شاذان را بروید تاریخش را نگاه کنید، شواهدی هست که اصلاً امام رضا را درک نکرده. حالا این اشکال آقای سیستانی است که ما سعی کردیم جواب بدهیم.

اشکال سوم (سندی)

اشکال دوم اشکال آقای خوئی است که من این اشکال آقای سیستانی را نمی‌کنم بالاخره از خود فضل بن شاذان نقل شده که گفته من این مطالب را از امام رضا علیه السلام شنیدم مرة بعد مرة، صدوق هم می‌گوید ما رواه فلان عن فلان عن الفضل بن شاذان عن الرضا علیه السلام، من اشکالم این است که دو تا راوی هست، هیچ‌کدام توثیق ندارند، یکی ابن قتیبة یکی ابن عبدوس، صدوق با دو واسطه نقل می‌کند از فضل بن شاذان که مشتمل است، فقد رویته عن عبدالواحد بن محمد بن عبدوس عن علی بن محمد بن قتیبة النیسابوری عن الفضل بن شاذان عن الرضا علیه السلام.

پاسخ

حالا آقای زنجانی سعی کردند هر دو نفر را توثیق کنند، ما حالا وارد بحث توثیق شخصی این دو نفر نمی‌شویم، فقط یک نکته می‌گوییم: سه تا سند ذکر شده به این کتاب علل شرائع فضل بن شاذان، آخه سه تا سند توسط سه گروه بگوییم سه گروه جعل نشستند توطئه کردند، علیه چه کسی؟ آخه احتمالات باید عرفی باشد. سه تا سند دارد، خود صدوق دو تا سند را گفته، یکی همینی که خواندم، یکی هم در کتاب عیون اخبار الرضا می‌گوید جعفر بن نعیم یا نعیم بن شاذان عن عمه محمد بن شاذان عن الفضل بن شاذان، البته این‌ها توثیق ندارند ولی بالاخره سند دوم می‌شود. سند سوم سند شیخ است در فهرست: اخبرنا بروایت و کتبه الشيخ المفید عن الصدوق عن حمزة بن محمد العلوی عن ابی نصر قنبر بن علی بن شاذان عن ابیه عن الفضل بن شاذان. سه تا سند شد. خدایش به قول آن مرحوم علم‌دانی آدم نباید خراب باشد، سه تا سند است، علم پیدا کن دیگر، می‌گوید علم پیدا نمی‌کنم، زور است؟ نه، زور نیست. ما انصافاً یا وثوق پیدا می‌کنیم به این که این کتاب از فضل بن شاذان است، آن اشکالات آقای سیستانی را جواب دادیم یا لااقل وثوق پیدا می‌کنیم یکی از این سه طریق معتبر و مشتمل بر ثقات است.

دلیل چهارم بر وجوب جهر

روایت سوم روایت یحیی بن اکثم قاضی است. می گوید نه سأل ابا الاحسن الاول علیه السلام عن صلاة الفجر لم یجهر فیها بالقراءة و هی من صلوات النهار و انما یجهر فی صلاة اللیل، نماز صبح را چرا قرائتش را جهریه قرار دادند، نماز صبح که جزء نمازهای نهاریه است، حضرت فرمود لان النبی کان یغلس بها فقریها من اللیل، پیامبر اول اذان صبح نماز صبح می خواند در تاریکی، هنوز چشمها هم دیگر را نمی دید و لذا نیاز بود که قرائت جهریه باشد مردم بفهمند نماز جماعت شروع می شود.

اشکال

این هم دلیل بر وجوب نیست. مستحب هم باشد با این تعبیر می سازد، لم یجهر فیها بالقراءة و هی من صلوات النهار و انما یجهر فی صلاة اللیل. نکته اش هم این است که پیامبر اول اذان صبح نماز می خواند، مگر اول اذان صبح خواندن واجب است؟ مگر سیره اعلام این است که اول اذان صبح نماز می خوانند؟

پاسخ از اشکال در استدلال به صحیح زرار بر وجوب جهر

بحث واقع می شود این که ما دلیل مان بر وجوب جهر یا وجوب اخفات صحیح زرار بود، صحیح زرار اصلاً تعیین نکرد، کدام نماز جهر کدام نماز اخفات. رجل جهر فیما لاینبغی الجهر فیه، رجل اخفت فیما لاینبغی الاخفات فیه، کدام نماز لاینبغی الاخفات فیه است کدام نماز لاینبغی الجهر فیه است.

جوابش این است که نسبت به انواع نماز که تسالم هست بر این که آن نمازهایی که جهریه است صبح و مغرب و عشاء است، نمازهای اخفاتی هم ظهر و عصر است، این دیگر سیره قطعیه متصله به زمان ائمه است. اما این که در کدام بخش از نماز جهر باشد، صحیح زرار گفت فی القراءة، صحیح زرار داشت رجل جهر بالقراءة فیما لاینبغی الجهر فیه، تصریح کرد، معلوم می شود جهر واجب جهر در قرائت است در نمازهایی است که نامش نمازهای جهریه است. یا صحیح علی بن جعفر هم همین بود گفت رجل یصلی من الفریضة ما یجهر فیه بالقراءة.

یا صحیح حلبی در جلد ۸ وسائل صفحه ۳۵۵ اذا صلیت خلف امام تأتم به فلا تقرأ خلفه حمد و سوره نخوان چون امام عادل است، الا ان تكون صلاة تُجهر فیها یا تُجهر فیها بالقراءة مگر یک نمازی باشد که در قرائت آن جهر می کنی حالا که آمدی اقتداء می کنی نماز صبح نماز مغرب و عشاء صدای امام را نشنوی این جا اشکال ندارد، شما پیش خودت حمد و سوره بخوان. جایز نیست حمد و سوره بخوانی پشت سر امام عادل مگر نمازهایی که قرائت آن جهریه است شما صدای امام را نمی شنوی خودت با خودت قرائت را بخوان. معلوم می شود موضوع جهر قرائت است.

[سؤال: ... جواب:] اما تسبیحات اربعه می رسیم، آن بحث دیگری دارد.

..... مسائل

۱۰

انشاءالله بقیه مطالب را فردا عرض می کنیم.
و الحمد لله رب العالمین.